

نسبت امنیت و آزادی در اندیشه شهید مطهری علیه السلام مبتنی بر نظریه استخدام علامه طباطبایی علیه السلام

علی اصغر نصیری* / محمدمهدی سپهر** / عبدالله نوری گلجانی***

چکیده

بررسی نسبت میان امنیت و آزادی در جوامع بشری، از مباحث مطالعات امنیتی است که کاربست آن در تنظیم روابط اجتماعی نقش بسزایی دارد. شناخت دیدگاه امنیتی اندیشمندان، یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در تبیین هرچه بیشتر نسبت امنیت و آزادی در جامعه راه‌گشا باشد. شهید مطهری از عالمانی است که در آثار خود به مباحث امنیتی پرداخته است. این مقاله درصدد است دیدگاه شهید مطهری را درباره نسبت امنیت و آزادی در نظام سیاسی در سطح کلان، در سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به دست آورد. فرضیه مقاله حاضر این است که امنیت و آزادی در اندیشه شهید مطهری نسبت تعاملی متعالی دارند. با استفاده از روش برهان سبر و تقسیم و نظریه استخدام علامه طباطبایی، فرضیه مقاله

*. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود (نویسنده مسئول)، a.nasiri@shahroodut.ac.ir.

**. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر پژوهشکده سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، sepehr_new_man@yahoo.com.

***. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی و پژوهشگر پژوهشکده سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، goljahi@yahoo.com.

بررسی شده است. از جمله یافته‌های این مقاله اینکه از دیدگاه شهید مطهری، در نظام سیاسی اجتماعی اسلام، امنیت و آزادی در بستر قوانین عادلانه اسلام، نسبت تعاملی متعالی با یکدیگر دارند. براین اساس تقدم هریک از امنیت و آزادی بر دیگری، خروج از وضعیت عدالت به وضعیت ظلم محسوب می‌شود و استخدام یک‌طرفه و روابط ناعادلانه‌ای را در جامعه رقم می‌زند و استمرار آن وضعیت، ضمن تهدید نفس امنیت و آزادی در هر سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، حرکت در مسیر تعالی الهی جامعه را نیز دچار مخاطره می‌کند.

کلید واژگان: شهید مطهری، امنیت، آزادی، استخدام، عدالت، ظلم، نسبت تعاملی متعالی

بیان مسئله و ادبیات پژوهش

اهمیت و لزوم وجود توأمان امنیت و آزادی در زندگی اجتماعی انسان، توجه به کیفیت مناسبات میان آن دو مقوله را در جامعه ضروری می‌سازد. تقدم امنیت بر آزادی و بالعکس و تعامل و تلازم میان آن دو، سه حالت عمده در مناسبات امنیت و آزادی به شمار می‌آید که تحقق هریک در جامعه، آثار و پیامدهایی را برای حقوق اساسی شهروندان از یک‌سو و دولت و منافع ملی از سوی دیگر در پی دارد. در واقع عدم اهتمام لازم در تنظیم و ترسیم رابطه‌ای تعادلی و بدون افراط و تفریط میان امنیت و آزادی، استبداد (تقدم امنیت بر آزادی)، هرج و مرج (تقدم آزادی بر امنیت) و درنهایت نیز عدم تعالی را در جامعه رقم خواهد زد. با وجود این ضرورت و اهمیت، اگرچه در موضوع امنیت یا در موضوع آزادی از منظر اندیشمندان اسلامی تحقیقاتی صورت پذیرفته است، آثاری که موضوع یا مسئله آنها بررسی امنیت و آزادی از منظر اندیشمندان اسلامی باشد، کمتر مشاهده می‌شود. برخی از اندک آثار تولیدشده در این موضوع عبارت‌اند از: «وجوه امنیتی متعالی و متدانی شاهنامه فردوسی» (نصیری، ۱۳۹۸)؛ «مبانی مناسبات "امنیت فرهنگی متعالی" و "آزادی فرهنگی متعالی"» (نصیری و لکزایی، ۱۳۹۷)؛ «بررسی نسبت بین امنیت سیاسی و آزادی سیاسی و اندیشه مقام معظم رهبری» (نصیری و لکزایی، ۱۳۹۶)؛ «نسبت امنیت سیاسی و آزادی در اندیشه علامه طباطبایی» (لکزایی و نصیری، ۱۳۹۳)؛ «مناسبات آزادی و امنیت

از دیدگاه امام خمینی (ره) (لک‌زایی، ۱۳۸۴)؛ «امنیت و آزادی: بررسی مناسبات امنیت و آزادی در اندیشه اسلامی» (نصیری، ۱۳۹۵)؛ «مناسبات امنیت و آزادی از دیدگاه فقهای معاصر» (فصیحی، ۱۳۸۹). در این میان، شناخت دیدگاه شهید مطهری، از متفکران برجسته ایران و جهان اسلام، درباره نسبت آزادی و امنیت حائز اهمیت است؛ به‌ویژه اینکه بر اساس جست‌وجوی علمی نگارنده در میان آثار وی که درباره اندیشه سیاسی-امنیتی شهید مطهری نگاشته شده، تاکنون پژوهش مستقلی که نسبت آزادی و امنیت را در اندیشه ایشان بررسی کرده باشد صورت پذیرفته است. لذا از یک سو با توجه به جایگاه اندیشه شهید مطهری در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر با توجه به تأکیدی که بر مطالعه آثار ایشان از سوی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری وجود دارد، ضروری است این بُعد از اندیشه ایشان نیز مورد واکاوی و تبیین هرچه بیشتر قرار گیرد. فرضیه این مقاله آن است که از میان سه نسبتی که امنیت و آزادی در سطح اجتماع با یکدیگر می‌توانند داشته باشند، در اندیشه شهید مطهری فقط نسبت تعاملی مورد تأیید است. از این رو، در راستای بررسی فرضیه، این مقاله در صدد است دیدگاه شهید مطهری را درباره نسبت میان امنیت و آزادی با بهره‌گیری از روش برهان سبر و تقسیم و چهارچوب نظری برگرفته از نظریه استخدام علامه طباطبایی تبیین کند.

روش و چهارچوب نظری

۱. برهان سبر و تقسیم

روش به‌کاررفته در این مقاله برهان سبر و تقسیم است. این برهان از براهینی می‌باشد که در علوم مختلف کاربرد دارد. «سبر» در این برهان به معنای آزمودن و «تقسیم» نیز به معنای شمردن و جمع کردن (همه آنچه احتمال می‌رود علت باشند) می‌باشد. سبر و تقسیم در اصطلاح عبارت است از حصر کردن اوصاف در یک اصل و باطل کردن دیگر اصول محتمل. به عبارت دیگر، روش کار در این برهان به این صورت است که نظرها و فرضیه‌های مختلف در مسئله مورد بحث، جمع‌آوری می‌شود و سپس با استفاده از دلیل، هریک از آن

فرضیه‌ها و نظرها بررسی می‌گردد؛ به این صورت که احتمالات و فرضیه‌ها یکی پس از دیگری نقد و در نهایت یکی از اقوال اثبات می‌شود. به عبارت دیگر با استفاده از عقل، احتمالات نادرست رد می‌شود و تنها یک احتمال به اثبات می‌رسد. به عنوان مثال در مباحث فقهی، فقیه همه آنچه را که احتمال علت بودنش می‌رود جمع‌آوری می‌کند و پس از بررسی تک تک آنها و ثابت کردن مدلل علت نبودن هریک، در آخر به علت حقیقی حکم دست می‌یابد. در علت حرام بودن ربا در گندم احتمال دارد طعم یا غذای مورد نیاز عموم یا پیمان‌های بودن آن علت باشد. احتمال اول و دوم مستند به دلیل، مردود است. لذا پیمان‌های بودن آن علت است. مثالی دیگر در مباحث کلامی اینکه برای اثبات وجود خدا و اینکه چه چیزی علت خلق جهان است، چند احتمال فرض می‌شود: احتمال اول اینکه جهان خالق ندارد؛ احتمال دوم اینکه خالق مادی مانند انسان یا بت دارد؛ احتمال سوم اینکه خالق غیر مادی داشته باشد. عقل در بین سه احتمال مذکور پس از بررسی هریک از آنها، با کنار زدن احتمالات نادرست یعنی احتمال اول و دوم، به پاسخ صحیح که احتمال سوم است، دست می‌یابد (مؤسسه دایرةالمعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۷۲؛ حسین نژاد، ۱۳۹۷: ۳؛ کاظمی و نقیبی، ۱۳۹۵: ۹۱؛ اسلام کوئست نت، ۱۳۹۸).

۲. نظریه استخدام به مثابه چهارچوب نظری

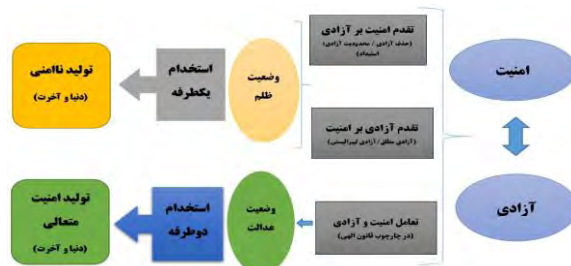
چهارچوب نظری مقاله حاضر ریشه در نظریه استخدام علامه طباطبایی دارد. توضیح این نظریه اینکه انسان به گونه‌ای آفریده شده است که تمایل به زندگی اجتماعی دارد (طباطبایی، ۱۹۹۱م، ج ۲: ۱۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۱: ۴۸) و این امر نیز به دلیل وجود خصوصیتی است که از آن با عنوان «استخدام» یاد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۰). در فرایند استخدام، انسان با هدف نیل به کمال با استفاده از احکام نشئت گرفته از ادراکات اعتباری خویش، تلاش می‌کند افراد ممنوع خود را به خدمت بگیرد (طباطبایی، ۱۹۹۱م، ج ۲: ۱۱۸). وجود تفاوت در توانایی‌های طبیعی و اکتسابی افراد، باعث سود بردن بیشتر برخی افراد از برخی دیگر می‌شود و این خود، اختلاف انسان‌ها را در پی دارد که استمرار آن، هرج و مرج و نابودی انسان را رقم خواهد زد. لذا انسان برای حفظ امنیت اجتماع انسانی و برطرف کردن تهدید اختلافات مذکور که ریشه در خصوصیت

استخدامکنندگی بشر دارد، به ضرورت قانون‌گذاری پی می‌برد (همان: ۱۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۴). مراجعه به دین در زندگی اجتماعی به‌جای استفاده از روش‌های سکولاریستی، راه‌حلی است که علامه طباطبایی برای حفظ قانون در جامعه در مواجهه با طبع سرکش انسانی مطرح می‌کند؛ زیرا در دین علاوه بر وجود قوانین مجازات و نظارت بیرونی، ناظری درونی نیز برای حفظ قوانین تعبیه شده است (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۴-۴۹ و ۷۵). لذا قوانین دینی از جهت تأمین امنیت در روابط اجتماعی، نوعی استخدام تعاملی عادلانه و متعالی ایجاد می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، از دیدگاه علامه طباطبایی روابط اجتماعی بشر، نیازمند اعتبار استخدام دوطرفه عادلانه است؛ زیرا در غیر این صورت، سودرسانی یک‌طرفه خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۳۸-۴۴۱) و این امر، از یک‌سو مکاتب امنیتی متدانی را ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، آزادی را به وضعیت متدانی سوق می‌دهد. لذا برای تحقق روابط تعاملی مبتنی بر عدالت در سطح جامعه (استخدام دوطرفه) و در نتیجه تولید امنیت و آزادی متعالی، ضرورت وجود قوانین عادلانه الهی احساس می‌شود (لک‌زایی؛ همان، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۶).

نسبت امنیت و آزادی	تأثیر بر آزادی	تأثیر بر امنیت	نتیجه	اعتبار استخدام	
				استخدام	تولید
تقدم امنیت بر آزادی / تقدم آزادی بر امنیت	سلب آزادی / آزادی متدانی (ناعادلانه): آزادی حداقلی ۳ / حداکثری ۴	تولید ناامنی / مکتب امنیتی متدانی / حداقلی ۱ / حداکثری ۲	تحقق روابط اجتماعی مذموم ناعادلانه / سلطه	استخدام	انسان در مواجهه با انسان‌های دیگر، همواره درصدد به خدمت گرفتن آنها و طلب سود خود از آنان است.
تعامل امنیت و آزادی	آزادی متعالی (عادلانه)	تولید امنیت عادلانه / مکتب امنیتی متعالی	تحقق روابط اجتماعی عادلانه	تولید	

۱. امنیت متدانیة حداقلی: امنیت در نظام‌های استبدادی (امنیت سیاسی طبقه حاکم) (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ۱۹-۵۲).
۲. امنیت متدانیة حداکثری: امنیت در نظام‌های مردم‌سالار سکولار (همان).
۳. آزادی متدانیة حداقلی: آزادی در نظام‌های استبدادی.
۴. آزادی متدانیة حداکثری: آزادی در نظام‌های مردم‌سالار سکولار.

بر اساس نظریهٔ استخدام، در وضعیت تقدم امنیت بر آزادی و نیز تقدم آزادی بر امنیت، استخدام به صورت یک طرفه به وجود می‌آید. بر اساس این گونه استخدام، یک طرف (فرد، گروه، دولت)، بدون در نظر گرفتن حقوق طرف دیگر، حتی با تضييع آن حقوق، صرفاً درصدد سود و منفعت خود است و این امر نیز در واقع نوعی ظلم و بی‌عدالتی شمرده می‌شود (مانند وضعیت تقدم امنیت بر آزادی) و یا در نهایت به ظلم و بی‌عدالتی منجر می‌شود (مانند وضعیت تقدم آزادی بر امنیت) و ظلم نیز به خودی خود، تولید ناامنی در سطح دنیا و آخرت می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام: ۸۲). در این آیه مبارکه، ظلم عامل ناامنی معرفی شده است. در روایتی از امام باقر علیه السلام ظلم به سه دسته تقسیم شده است که قسم سوم آن مربوط به تضييع حقوق میان انسان‌ها می‌شود: «الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ ظُلْمٌ يَغْفُرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَظُلْمٌ لَا يَغْفُرُهُ وَظُلْمٌ لَا يَدْعُهُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفُرُهُ فَالشَّرْكُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفُرُهُ اللَّهُ فَالظُّلْمُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدْعُهُ فَالْمُدَايَنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۱۸). اما در وضعیت تعامل امنیت و آزادی در چهارچوب دین، استخدام به صورت دوطرفه به وجود می‌آید؛ زیرا در این وضعیت، حقوق طرفین رعایت می‌شود. لذا ظلمی به وجود نمی‌آید و وضعیت عدالت حاکم می‌شود که در این صورت امنیتی متعالی تولید می‌شود که علاوه بر دنیا، آخرت را نیز پوشش می‌دهد. چهارچوب نظری در این مقاله همچنین به مثابه ابزار اجرای برهان سبر و تقسیم نیز عمل می‌کند. به عبارت دیگر، با استفاده از چهارچوب نظری برگرفته از نظریهٔ استخدام، احتمالات سه‌گانه نسبت میان امنیت و آزادی در اندیشهٔ شهید مطهری یعنی تقدم امنیت بر آزادی و تقدم آزادی بر امنیت و نیز تعامل امنیت و آزادی بررسی می‌شود و در نهایت، با رد دو احتمال، تنها یکی از آن احتمالات اثبات خواهد شد.



تعریف مفاهیم

۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی آزادی

واژه آزادی به مفهوم توانایی انتخاب، توانایی عمل، ترک عمل و رهایی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۷؛ عمید، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۴). برخی در تعریف اصطلاحی آزادی با تقسیم آن به آزادی منفی و مثبت، آزادی مثبت را به معنای اختیار و توانمندی و آزادی منفی را به معنای نبودن مانع تعریف می‌کنند (برلین، ۱۳۶۸: ۲۳۶ و ۲۴۹)، برخی نیز با لحاظ «هدف» در مفهوم آزادی، آن را به نبود مانع در برابر فرد برای وصول به هدف تعریف کرده‌اند (Gray, 1991, 12؛ میراحمدی، ۱۳۸۱: ۲۶). اما از آنجاکه آزادی از مفاهیم سازه‌ای^۱ است، تعریف آن نیز باید به صورت سازه‌ای ارائه شود. در نگاه سازه‌ای، آزادی مبتنی بر مبانی فرهنگی هر مکتب معنا می‌شود. بر اساس تلقی سازه‌ای، آزادی به معنای فقدان «ب» (مانع) در مقابل «الف» (فاعل) برای رسیدن به «ج» (انجام دادن «ج» یا برخورداری بودن از «ج») تعریف می‌شود. براین اساس تعریف آزادی سیاسی (فرهنگی، اقتصادی) در اندیشه اسلامی نیز به معنای «رهایی اشخاص (یا تشکلهای سیاسی (فرهنگی، اقتصادی) در جامعه از دخالت دولت‌ها، به منظور انجام دادن رفتارهای سیاسی (فرهنگی، اقتصادی) خاص خود یا برخورداری از حقوق اساسی در مسیر رسیدن انسان (جامعه) به کمال الهی» است.

۲. مفهوم‌شناسی آزادی در اندیشه شهید مطهری

آزادی از دیدگاه شهید مطهری، یکی از مقدسات بشر است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۵۹) و در کنار دو عنصر تربیت و امنیت، سومین عنصری است که انسان برای رشد و

۱. «مفاهیم سازه‌ای هم‌عرض مفاهیم بسیط هستند. مفاهیم بسیط با استفاده از تعریف یک جمله‌ای برای همه مفاهیم است، در حالی که در مفاهیم سازه‌ای هر چقدر جمله‌های بیشتری در تعریف ذکر شود، منجر به پیچیده شدن مفهوم می‌شود. به عنوان مثال، اگر صداقت به "سخن مطابق با واقع" تعریف شود، برای همگان مفهوم است، اما اگر امنیت به نبود خوف یا آرامش یا نبود تهدید یا محافظت از ارزش‌ها تعریف گردد، ابهام آن همچنان باقی می‌ماند؛ زیرا بلافاصله از چستی پاسخ سؤال می‌شود؛ اینکه ارزش چیست؟ تهدید چیست؟...» (لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۳؛ لکزایی، ۱۳۹۴: ۱۸).

تکامل خود به آن احتیاج دارد (همان، ج ۲۳: ۴۳۷). ازاین‌رو، به اعتقاد وی، اسلام دین آزادی و مروج آن است (مطهری، بی تا: ۴۹). شهید مطهری در نگاهی کلان، آزادی را به دو قسم آزادی اجتماعی و آزادی معنوی تقسیم می‌کند. آزادی معنوی از نگاه ایشان که وی آن را «ترکیه نفس» نیز می‌نامد، بزرگ‌ترین برنامه انبیای الهی در طول تاریخ بوده است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۳: ۴۶۱). ایشان این قسم از آزادی را به معنای آزادی انسان از اسارت هواهای نفسانی (همان: ۴۴۱)، و به تعبیر دیگر، به معنای رهایی انسان از قید و اسارت خویشتن تعریف می‌کند (همان: ۴۴۸). از دیدگاه شهید مطهری، آزادی اجتماعی نیز همانند آزادی معنوی، امری مقدس است (همان: ۴۴۰) و برقراری آن در جامعه از اهداف انبیای الهی در طول تاریخ بوده است (همان؛ مطهری، ۱۳۶۷: ۱۸). ایشان در تعریف آزادی اجتماعی آن را به معنای عدم مانع از ناحیه افراد جامعه در راه رشد و تکامل بشر معنا می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۳: ۴۳۷). به عبارت دیگر، آزادی اجتماعی در اندیشه ایشان به معنای رهایی از اسارت، بندگی و بردگی انسان‌ها تعریف می‌شود: «بشر باید در اجتماع از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد، دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند، او را محبوس نکنند... که جلو فعالیتش گرفته شود، دیگران او را استثمار نکنند، استخدام نکنند، استعباد نکنند، یعنی تمام قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند» (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۴).

به اعتقاد شهید مطهری، آزادی انسان از اسارت اشخاص بدون آزادی او از اسارت نفس میسر و عملی نخواهد بود و درحقیقت، تحقق آزادی اجتماعی به معنای واقعی کلمه در جامعه، در گرو تحقق آزادی معنوی است؛ زیرا هواهای نفسانی و شهوات، ریشه اسارت انسان توسط انسان‌های دیگر است. بنابراین، در صورت ترکیه نفس، آزادی اجتماعی نیز به سهولت تحقق می‌یابد: «تقوا به انسان آزادی معنوی می‌دهد؛ یعنی او را از اسارت و بندگی هوا و هوس آزاد می‌کند، ... و به این ترتیب، ریشه رقیّت‌ها و بردگی‌های اجتماعی را از بین می‌برد» (مطهری، ۱۳۸۹ الف: ۲۰۶).

۳. مفهوم لغوی و اصطلاحی امنیت

امنیت در مفهوم لغوی به معنای بی‌خوفی، آرامش، ایمنی و در امان بودن است (انوری و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۷۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۳۷۶). در این میان در مفهوم اصطلاحی امنیت، نوعی ابهام (خلیلی، ۱۳۸۷: ۴۹۷)، اختلاف و مناقشه (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۹) و پیچیدگی (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) وجود دارد. برخی امنیت را به فقدان تهدید و ترس نسبت به ارزش‌ها تعریف کرده‌اند (Wolfers, 1952: 485). برخی نیز آن را به وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان معنا کرده‌اند (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱؛ افتخاری، ۱۳۷۸: ۲۷؛ افتخاری، ۱۳۹۰: ۹۱). برخی نیز با ارائه تلقی سازه‌ای از امنیت، آن را به معنای «دستیابی به وضعیتی که "الف" (با انجام دادن یا انجام ندادن اقدام‌هایی) از آسیب، تعرض و تهدید "ب" مصون (و محفوظ) باشد تا به "ج" برسد (یا در وضعیت "ج" باشد)» تعریف می‌کنند (لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۳). در مجموع، تعریف سازه‌ای از امنیت به دلیل جامعیت و انعطافی که نسبت به تعاریف سلبی و ایجابی امنیت دارد، به گفتمان امنیت متعالی مورد نظر دین اسلام که دنیا و آخرت را توأمان در نظر می‌گیرد نزدیک‌تر است. براین اساس، امنیت سیاسی (فرهنگی، اقتصادی) عبارت است از دستیابی به وضعیتی که «الف» (ارزش‌های سیاسی فرهنگی، اقتصادی حیاتی جامعه، فرد) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» (داخلی: دولت و یا افراد، خارجی) مصون و محفوظ باشد تا در وضعیت «ج» (توسعه و پیشرفت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) به کمال برسد.

۴. مفهوم‌شناسی امنیت در اندیشه شهید مطهری

امنیت در اندیشه شهید مطهری نیز، یکی از مقدسات بشر (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۱: ۴۵۹) و دومین چیزی است که یک موجود زنده برای رشد و تکامل خود به آن احتیاج دارد (همان، ج ۲۳: ۴۳۷). ایشان در تبیین معنای امنیت، آن را به عدم سلب لوازم و وسایل حیات انسان از قبیل جان، سلامت، ثروت و به‌طور کلی عدم سلب هرآنچه دارد از سوی دشمن معنا می‌کنند:

امنیت یعنی چه؟ یعنی موجود زنده چیزی را در اختیار دارد، حیات دارد، لوازم و وسایل حیات را هم دارد. باید امنیت داشته باشد تا آنچه را دارد از او نگیرند؛ یعنی از

ناحیه یک دشمن و یک قوه خارجی، آنچه دارد از او سلب نشود. انسان را در نظر می‌گیریم. انسان، هم به تعلیم و تربیت احتیاج دارد و هم به امنیت؛ یعنی جان دارد، جاننش را از او نگیرند؛ ثروت دارد، ثروتش را از او نگیرند؛ سلامت دارد، سلامتش را از او نگیرند؛ آنچه را دارد از او نگیرند (همان).

شهید مطهری، در عبارت فوق، در واقع به بُعد سلبی معنای امنیت اشاره می‌کند و آن را به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های حیاتی انسانی از قبیل حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی و... می‌داند.

نسبت امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه شهید مطهری

۱. نادرستی فرض تقدم امنیت سیاسی بر آزادی سیاسی (وضعیت ظلم و استخدام یک‌طرفه)

در اندیشه شهید مطهری امنیت سیاسی به معنای امنیت دولت و برقراری استبداد از طریق سلب حقوق و آزادی‌های سیاسی قانونی مردم که از آن با عنوان امنیت سیاسی متدانی حداقلی تعبیر می‌شود، به هیچ عنوان پذیرفته نیست. به عبارت دیگر تقدم چنین امنیتی بر آزادی سیاسی از دیدگاه ایشان، استخدام یک‌طرفه ناعادلانه‌ای را در روابط دولت و مردم در سطح جامعه رقم خواهد زد که در آن مردم، تحت استثمار دولت واقع می‌شوند. لذا از دیدگاه شهید مطهری تقدم امنیت سیاسی (متدانی حداقلی همچون نظام‌های استبدادی) بر آزادی سیاسی نادرست است. این امر را می‌توان از دیدگاه ایشان درباره آزادی سیاسی برداشت کرد، با این توضیح که آزادی سیاسی از دیدگاه شهید مطهری از مصادیق آزادی اجتماعی شمرده می‌شود که به معنای رهایی انسان از اسارت سیاسی دولت‌ها یا به معنای مانع نشدن حکومت در مقابل رفتارهای سیاسی افراد در جامعه (رهایی از استبداد سیاسی حکومت) است. آزادی انتخاب و رأی یکی از مصادیق آزادی سیاسی از دیدگاه ایشان است. از نظر شهید مطهری، آزادی انتخاب و رأی در وجه سلبی به معنای عدم جواز تحمیل حاکم یا حکومتی خاص بر مردم است (مطهری، بی تا: ۶۶؛ مطهری، ۱۳۶۵: ۲۰۷)؛ در وجه ایجابی نیز به معنای حق مردم در تعیین سرنوشت خویش و انتخاب حاکم توسط مردم

است: «کلمه "جمهوری" شکل حکومت پیشنهادشده را مشخص می‌کند و کلمه "اسلامی" محتوای آن را...؛ یعنی حکومتی که در آن، حق انتخاب با همه مردم است... مسئله جمهوری مربوط است به شکل حکومت که مستلزم نوعی دمکراسی است؛ یعنی اینکه مردم حق دارند سرنوشت خود را خودشان در دست بگیرند» (مطهری، بی تا: ۸۰-۸۱).

یکی دیگر از مصادیق آزادی سیاسی از دیدگاه شهید مطهری، آزادی بیان و انتقاد در مسائل سیاسی به‌ویژه در قبال اعمال حکومت است. حکومت از دیدگاه ایشان در مقابل مردم مسئول است و مردم نیز که ذی‌حق شمرده می‌شوند، حق دارند درباره حقوق خود از حکومت سؤال کنند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۵۴). به اعتقاد شهید مطهری، فکر و قلم و بیان در جامعه باید آزاد باشد، و این آزادی به سود اسلام و انقلاب اسلامی است. به اعتقاد وی، تنها راه درست برخورد با افکار مخالف این است که در مقابل آن افکار، آرا و نظریات صحیح مطرح شود. در غیر این صورت، جلوگیری از فکر مخالف، درحقیقت مساوی با شکست اسلام و جمهوری اسلامی است (مطهری، بی تا: ۴۹-۵۰): «در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد و از به‌اصطلاح کانالیزه کردن اندیشه‌ها، خبر و اثر نخواهد بود. همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصیلشان را عرضه کنند» (همان: ۱۱).

آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی یکی دیگر از مصادیق آزادی سیاسی است که شهید مطهری بدان اشاره کرده است. از دیدگاه وی، احزاب در حکومت اسلامی اجازه دارند آزادانه به فعالیت حزبی و سیاسی بپردازند و عقاید خود را به‌صراحت بیان کنند: «در حکومت اسلامی، احزاب آزادند. هر حزبی اگر عقیده غیراسلامی هم دارد، آزاد است» (همان: ۱۷).

در مجموع، بررسی احتمال تقدم امنیت سیاسی بر آزادی سیاسی در اندیشه شهید مطهری نشان می‌دهد که این وضعیت در واقع به معنای سلب یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندان جامعه محسوب می‌شود که نوعی ظلم و بی‌عدالتی در حق شهروندان است و به‌عبارتی استخدامی یک‌طرفه و وضعیتی شکل می‌گیرد که در آن شهروندان هیچ مشارکتی در نظام سیاسی به‌ویژه انتخاب کارگزاران آن نخواهند داشت و مردم همچون بردگان نظام

سیاسی استبدادی تلقی می‌شوند که حقوق اجتماعی و منافع ملی آنان تحت سلطه آن نظام قرار دارد. چنین امنیتی که از آن با عنوان امنیت سیاسی متدانی حداقلی تعبیر می‌شود، درحقیقت از دیدگاه شهید مطهری، امنیت محسوب نمی‌شود، بلکه به دلیل ظالمانه بودن، عین ناامنی و تهدید است.

۲. نادرستی فرض تقدم آزادی سیاسی بر امنیت سیاسی (وضعیت ظلم و استخدام یک‌طرفه)

از دیدگاه شهید مطهری آزادی سیاسی به معنای آزادی خارج از چهارچوب و ارزش‌های دینی و برقراری وضعیت هرج‌ومرج یا وضعیت آزادی همچون نظام‌های لیبرال سکولار مورد تأیید نیست. درواقع چنین آزادی‌ای، امنیت سیاسی متعالی را تهدید می‌کند. به‌عبارت‌دیگر تقدم چنین آزادی‌ای بر امنیت سیاسی که دایرمدار ارزش‌های سیاسی مورد تأیید دین است، روابط اجتماعی را درنهایت به‌سوی به وجود آمدن استخدام یک‌طرفه ناعادلانه سوق خواهد داد که حتی نفس آزادی سیاسی را نیز دچار مخاطره خواهد کرد. این امر را نیز می‌توان از جایگاه موضوعات امنیت سیاسی مبتنی بر ارزش‌های دینی در اندیشه ایشان به‌خوبی فهمید؛ زیرا امنیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری، به معنای فقدان تهدید درباره ارزش‌های سیاسی جامعه است. از نگاه ایشان، حوزه‌ها و موضوعات سیاسی-امنیتی (ارزش‌های سیاسی حیاتی) در جامعه وجود دارد که به‌مثابه خطوط قرمز یک نظام محسوب می‌شوند و هیچ‌کس حق تهدید آنها و تجاوز به آنها را ندارد و آزادی سیاسی افراد، محدود به آن حوزه‌ها و موضوعات است. دین اسلام، نظام سیاسی مشروع، نظم اجتماعی و به‌طور کلی منافع ملی از ارزش‌های سیاسی اشاره‌شده در کلام شهید مطهری است که در ادامه به‌اختصار تبیین می‌شود.

دین اسلام، یکی از حوزه‌ها و موضوعات امنیتی در اندیشه شهید مطهری است که به اعتقاد وی، نباید هیچ‌گونه تهدیدی برای آن صورت گیرد. ازاین‌رو، آزادی سیاسی شهروندان نباید به‌گونه‌ای باشد که تهدیدی را متوجه دین اسلام کند. اهمیت دین اسلام به‌عنوان یکی از حوزه‌های امنیت سیاسی در اندیشه ایشان، نشان می‌دهد که از یک‌سو، آزادی سیاسی

متدانیۀ حداکثری (آزادی سکولاریستی) که نسبت به دین بی توجه است، مورد قبول نیست. و از سوی دیگر، امنیت سیاسی مورد نظر ایشان، امنیتی متعالی است: «احزاب و افراد در حدی که عقیده خودشان را صریحاً می گویند و با منطق خود به جنگ منطق ما می آیند، آنها را می پذیریم، اما اگر بخواهند در زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خودشان را بگویند، ما حق داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوییم اسلام چنین چیزی نمی گوید؛ حق داریم بگوییم به نام اسلام این کار را نکنید» (همان: ۱۷-۱۸).

حکومت مشروع و نظم اجتماعی نیز از حوزه‌ها و موضوعات امنیتی در اندیشه شهید مطهری است. از این رو، از نگاه وی، شهروندان به بهانه داشتن آزادی سیاسی، حق تعرض و تجاوز به حکومت مشروع و اخلال در نظم اجتماعی را ندارند: «اینجا دیگر جای گذشت و آزاد گذاشتن نبود؛ زیرا مسئله اظهار عقیده نیست، بلکه اخلال به امنیت اجتماعی و قیام مسلحانه علیه حکومت شرعی است. لذا آنان را تعقیب کرد و در کنار نهروان با آنان رودررو قرار گرفت» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۴۳؛ مهاجرنیا، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۹۷).

آزادی سیاسی شهروندان نیز یکی دیگر از موضوعات و حوزه‌های امنیت سیاسی از نگاه شهید مطهری است. از این رو، هیچ‌یک از شهروندان حق ندارند به بهانه داشتن آزادی سیاسی، به آزادی سیاسی دیگر شهروندان تجاوز کنند. این مطلب نیز ریشه در جایگاه حق آزادی مردم و عدم جواز سلب آزادی‌های قانونی و مشروع آنان در اندیشه ایشان دارد. از این رو، استبدادورزی از نگاه ایشان، به طور مطلق، چه از ناحیه حکومت و چه در سطحی پایین تر توسط تک تک شهروندان، مردود است: «از آنجا که ماهیت این انقلاب ماهیتی عدالت خواهانه بوده است، وظیفه حتمی همگی ما این است که به آزادی‌ها به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم؛ زیرا اگر بنا بشود حکومت جمهوری اسلامی زمینه اختناق را به وجود بیاورد، قطعاً شکست خواهد خورد» (مطهری، بی تا: ۶۲).

به طور کلی از نگاه شهید مطهری استفاده از آزادی به ویژه آزادی سیاسی در جامعه به شرط عدم توطئه برای ارزش‌های سیاسی اعم از منافع ملی، دین، حکومت مشروع و... است: «ما اجازه توطئه‌گری و فریب‌کاری نمی دهیم» (همان: ۱۷).

در مجموع، بررسی فرض تقدم آزادی سیاسی بر امنیت سیاسی در اندیشه شهید مطهری نشان می‌دهد که این وضعیت نیز زمینه‌ساز ظلم و استخدام یک‌طرفه است و در نهایت به تولید ناامنی، هم در دنیا و سطح روابط اجتماعی و هم در آخرت می‌انجامد. لذا این فرض نیز در اندیشه ایشان نادرست است. در این میان وضعیت ناامنی حاصل آزادی مطلق پرواضح است. در واقع هرج و مرج به وجود آمده از آزادی مطلق، به تضییع حقوق و آزادی‌های دیگر شهروندان می‌انجامد که این خود مصداق بارز ظلم و بی‌عدالتی و موجد استخدام یک‌طرفه است. اما آزادی‌های لیبرالیستی سکولار (آزادی متدانی حداکثری) نیز به دلیل عدم ابتدای آن بر ارزش‌ها و قوانین عادلانه دینی و بی‌توجهی به آن ارزش‌ها، زمینه‌ساز ایجاد وضعیت ظلم به‌ویژه نوع اول و دوم آن و نیز نوع سوم ظلم به‌ویژه در سطح نظام بین‌الملل در قالب استثمار و استعمار مردم دیگر کشورها و در نتیجه شکل‌گیری وضعیت استخدام یک‌طرفه است.

۳. درستی فرض تعامل امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در بستر دین (وضعیت عدالت و استخدام دوطرفه)

با نادرستی احتمال تقدم امنیت سیاسی بر آزادی سیاسی و نیز نادرستی احتمال تقدم آزادی سیاسی بر امنیت سیاسی در اندیشه شهید مطهری، و نیز با توجه به بداهت نادرستی احتمال عدم نسبت میان امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه ایشان با استناد به عبارات ایشان که از نوعی ارتباط و نسبت حکایت دارد، بر اساس برهان سبر و تقسیم، احتمال تعامل امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در بستر دین از دیدگاه ایشان اثبات می‌شود، با این توضیح که در فرض تعامل امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در چهارچوب قوانین عادلانه اسلامی، وضعیت عدالت در جامعه و روابط اجتماعی به وجود می‌آید که نتیجه آن استخدامی دوطرفه در روابط سیاسی است که این خود موجد امنیتی متعالی می‌شود. به عبارت دیگر، شهید مطهری به گونه‌ای از آزادی سیاسی و امنیت سیاسی اشاره دارد که متعالی است؛ یعنی علاوه بر دنیا، به آخرت نیز توجه دارند و نه تنها نافی یکدیگر نیستند، بلکه نسبت تعاملی متعالی با یکدیگر دارند: «درد امروز جامعه بشری این است که بشر امروز می‌خواهد آزادی اجتماعی را تأمین کند، ولی به دنبال آزادی معنوی نمی‌رود. ... آزادی را جز از طریق نبوت، انبیا، دین، ایمان و کتاب‌های آسمانی نمی‌توان تأمین کرد» (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۷).

نسبت امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی از دیدگاه شهید مطهری

۱. نادرستی فرض تقدم امنیت فرهنگی بر آزادی فرهنگی (وضعیت ظلم و استخدام یک‌طرفه)

در اندیشه شهید مطهری امنیت فرهنگی به معنای امنیت فرهنگ تحمیلی دولت و برقراری نوعی استبداد در عرصه فرهنگ از طریق سلب حقوق و آزادی‌های فرهنگی-قانونی مردم که از آن با عنوان امنیت فرهنگی متدانی حداقلی تعبیر می‌شود، قابل قبول نیست. به عبارت دیگر تقدم چنین امنیتی بر آزادی فرهنگی از دیدگاه ایشان، استخدام یک‌طرفه ناعادلانه‌ای را در روابط فرهنگی دولت و مردم در سطح جامعه رقم خواهد زد که در آن فرهنگی خاص توسط دولت به‌رغم میل مردم تحمیل می‌شود. لذا از دیدگاه شهید مطهری، تقدم امنیت فرهنگی (متدانی حداقلی همچون نظام‌های استبدادی) بر آزادی فرهنگی نادرست است. این امر را نیز می‌توان از توجه ویژه ایشان به آزادی فرهنگی به‌خوبی برداشت کرد؛ زیرا آزادی فرهنگی نیز در اندیشه شهید مطهری از حقوق مسلم شهروندان در جامعه شمرده می‌شود. به همین دلیل، از دیدگاه ایشان سلب آن از شهروندان جایز نیست. آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی انجام دادن فعالیت‌های فرهنگی به‌صورت فردی و جمعی، از عمده‌ترین مصادیق آزادی فرهنگی در اندیشه مطهری است که در ادامه به اختصار تبیین می‌شود.

یکی از مهم‌ترین مصادیق آزادی فرهنگی، آزادی اندیشه است. شهید مطهری با گره زدن پیشرفت و تکامل انسان به آزادی تفکر، معتقد است فکر و اندیشه بشری باید حتماً آزاد باشد: «آزادی تفکر ناشی از همان استعداد انسانی بشر است که می‌تواند در مسائل بیندیشد. این استعداد بشری حتماً باید آزاد باشد. پیشرفت و تکامل بشر در گرو این آزادی است» (مطهری، بی تا: ۶).

یکی دیگر از مصادیق آزادی فرهنگی، آزادی بیان است. مطهری نیز معتقد به لزوم وجود آزادی بیان در جامعه است. از دیدگاه وی، در جامعه باید شرایطی فراهم باشد تا افکار مختلف و مخالف بتوانند آرا و عقاید خود را آزادانه مطرح کنند. به اعتقاد ایشان، جواز و سلب آزادی بیان در جامعه رابطه مستقیمی با پیشرفت و پیروزی یا شکست انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و در سطحی بالاتر، پیروزی یا شکست اسلام دارد:

هرکس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما راه پیروزی را ادامه خواهد داد. ... اگر در جامعه ما، محیط آزاد برخورد آرا و عقاید به وجود بیاید، ... تنها در چنین زمینه‌ی سالمی خواهد بود که اسلام هرچه بیشتر رشد می‌کند. ... اگر جلو فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلامی را شکست داده‌ایم (همان: ۴۹-۵۰).

انجام دادن فعالیت‌های فرهنگی توحیدی و غیرمشرکانه از قبیل انجام مراسم سنتی و مذهبی، فعالیت‌های علمی، هنری و...، یکی دیگر از مصادیق آزادی فرهنگی در جامعه است. در اندیشه مطهری نیز وجود چنین آزادی‌هایی از حقوق شهروندان است. از دیدگاه ایشان، یکی از شواهد آزادی انجام فعالیت‌های فرهنگی در اسلام، وجود قرارداد ذمه در اسلام است (مطهری، ۱۳۸۹ ب: ۲۵۲-۲۵۳). براساس این قرارداد، اهل کتاب می‌توانند بدون هیچ منعی، مراسم دینی خود را در معابدشان انجام دهند: اسلام برای اهل کتاب آزادی عقیده قائل است؛ به معنای اینکه خود عقاید را جرم نمی‌دانند، اما شرک را، مادگیری را جرم و قابل تعقیب و حتی اعدام می‌داند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۸۸).

یکی از مقاصد انبیا به‌طور کلی و به‌طور قطع این است که آزادی اجتماعی را تأمین کنند و با انواع بندگی‌ها و بردگی‌های اجتماعی و سلب آزادی‌هایی که در اجتماع هست مبارزه کنند (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۸).

بنابراین، بررسی احتمال تقدم امنیت فرهنگی بر آزادی فرهنگی در اندیشه شهید مطهری حاکی از آن است که این وضعیت در حقیقت مساوی با محروم کردن شهروندان از یکی از حقوق اساسی‌شان است و این خود نوعی ظلم و بی‌عدالتی در حق آنان است و وضعیت استخدام یک‌طرفه را به وجود می‌آورد که در آن نظام سیاسی حاکم، فرهنگی خاص را بر آنان تحمیل می‌کند. به‌عبارت‌دیگر سلب حقوق و آزادی‌های فرهنگی شهروندان توسط حکومت، علاوه بر اینکه خود عملی ظالمانه محسوب می‌شود و استخدام یک‌طرفه و استثمار مردم را فراهم می‌کند، درنهایت نیز به ناامنی آن نظام سیاسی منجر خواهد شد:

«اگر جلو فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلامی را شکست داده‌ایم» (مطهری، بی تا: ۴۹-۵۰).

۲. نادرستی فرض تقدم آزادی فرهنگی بر امنیت فرهنگی (وضعیت ظلم و استخدام یک‌طرفه)

از دیدگاه شهید مطهری آزادی فرهنگی به معنای آزادی خارج از چهارچوب و ارزش‌های فرهنگی دینی و برقراری وضعیت هرج و مرج فرهنگی یا وضعیت آزادی فرهنگی همچون نظام‌های فرهنگی لیبرال سکولار پذیرفتنی نیست. در واقع چنین آزادی‌ای، امنیت فرهنگی متعالی را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر تقدم چنین آزادی‌ای بر امنیت فرهنگی که دایر مدار ارزش‌های فرهنگی مورد تأیید دین است، روابط اجتماعی فرهنگی را در نهایت به سوی به وجود آمدن استخدامی یک‌طرفه ناعادلانه سوق خواهد داد که حتی نفس آزادی فرهنگی را نیز تهدید خواهد کرد. این امر را نیز می‌توان از جایگاه امنیت فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های دینی در اندیشه ایشان به خوبی فهمید؛ زیرا به رغم محترم بودن و سلب ناپذیر بودن آزادی فرهنگی در اندیشه شهید مطهری، به اعتقاد ایشان، آزادی فرهنگی شهروندان به صورت مطلق و نامحدود نیست، بلکه موضوعات و حوزه‌های امنیتی‌ای (ارزش‌های حیاتی) وجود دارد که محدودکننده آزادی فرهنگی آنان است: «و آزادی، آن حق طبیعی انسان، یک حد معینی است که از آن بیشتر دیگر آزادی نیست» (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۶۶-۲۶۸).

نفس حق آزادی فرهنگی، مصالح جامعه، مصلحت فردی و دین اسلام (قوانین اسلامی) از ارزش‌های حیاتی فرهنگی امنیتی در اندیشه مطهری است که در ادامه تبیین می‌شود. نفس حق آزادی فرهنگی شهروندان، یکی از ارزش‌ها و موضوعات امنیتی در جامعه شمرده می‌شود که از دیدگاه مطهری محدودکننده آزادی فرهنگی آنان است و اعمال آزادی فرهنگی افراد نباید به گونه‌ای باشد که آزادی فرهنگی دیگر شهروندان را تهدید یا سلب کند: «آنجا که آزادی فرد مخل به آزادی دیگران و سلب‌کننده آزادی دیگران باشد، در این گونه موارد می‌توان بلکه باید جلو آزادی فرد را گرفت» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۸۴).

مصالح عالیۀ جامعه از دیدگاه شهید مطهری یکی دیگر از ارزش‌ها و موضوعات امنیتی محدودکننده آزادی فرهنگی شهروندان در جامعه شمرده می‌شود. در واقع، آزادی فرهنگی افراد نباید به گونه‌ای اعمال شود که مصالح عالیۀ جامعه را تهدید یا سلب کند: «در مواردی که آزادی فرد برخلاف مصالح عالیۀ اجتماع باشد، دولت که حافظ مصالح عالیۀ اجتماع است حق دارد آزادی‌هایی را به نفع مصالح عالیۀ اجتماعی محدود کند» (همان: ۸۵).

مصلحت مسلم شخصی فرد، یکی دیگر از ارزش‌ها و موضوعات امنیتی است که از دیدگاه مطهری محدودکننده آزادی فرهنگی شهروندان است: «آنجا که حفظ آزادی فرد برخلاف مصالح مسلم شخصی خویش باشد، مانند موارد تعلیم و تربیت یا بهداشت و حفظ الصحه، در این گونه موارد، هم تعلیم اجباری و هم بهداشت اجباری تجویز می‌شود» (همان).

دین اسلام به‌ویژه اصل توحید، یکی دیگر از موضوعات و ارزش‌های امنیتی محسوب می‌شود که به اعتقاد مطهری آزادی فرهنگی شهروندان نباید مخل آن باشد: «اسلام... شرک را، مادگیری را جرم و قابل تعقیب و حتی اعدام می‌داند» (همان: ۸۸)؛ «اما کلمۀ اسلامی همان‌طور که گفتم محتوای این حکومت را بیان می‌کند؛ یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند» (مطهری، بی تا: ۶۳).

بنابراین، بررسی فرض تقدم آزادی فرهنگی بر امنیت فرهنگی در اندیشۀ شهید مطهری نشان می‌دهد که این وضعیت نیز زمینه‌ساز ظلم و استخدام یک‌طرفه و در نتیجه تولید ناامنی در حیات مادی و معنوی می‌شود. لذا این فرض نیز در اندیشۀ ایشان نادرست است؛ زیرا آزادی فرهنگی مطلق به هرج و مرج می‌انجامد و تضييع حقوق و آزادی‌های دیگر شهروندان را به دنبال دارد که این خود مصداق بارز ظلم و بی‌عدالتی و سبب استخدام یک‌طرفه در روابط اجتماعی است. اما آزادی‌های فرهنگی لیبرال (آزادی فرهنگی متدانی حداکثری) نیز به دلیل مقید نبودن به ارزش‌های دینی، زمینه‌ساز ایجاد وضعیت ظلم به‌ویژه نوع اول و دوم آن و نیز نوع سوم ظلم به‌خصوص در سطح نظام بین‌الملل در قالب استثمار و استعمار مردم دیگر کشورها از طریق تهاجم فرهنگی و جنگ نرم و در نتیجه به وجود آمدن وضعیت استخدام یک‌طرفه است.

۳. درستی فرض تعامل امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در بستر دین (وضعیت عدالت و استخدام دوطرفه)

با نادرستی احتمال تقدم امنیت فرهنگی بر آزادی فرهنگی و نیز نادرستی احتمال تقدم آزادی فرهنگی بر امنیت فرهنگی در اندیشه شهید مطهری، و نیز با توجه به بدهاقت نادرستی احتمال عدم نسبت میان امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در اندیشه ایشان با استناد به عبارات ایشان که از نوعی ارتباط و نسبت حکایت دارد، بر اساس برهان سبر و تقسیم، احتمال تعامل امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در بستر دین از دیدگاه ایشان اثبات می‌شود، با این توضیح که در فرض تعامل امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در چهارچوب قوانین عادلانه اسلامی، وضعیت عدالت در جامعه و روابط اجتماعی شهروندان به وجود می‌آید که نتیجه آن استخدامی دوطرفه در روابط فرهنگی است که این خود موجد امنیتی متعالی در سطح زندگی دنیوی و اخروی است. در واقع، گونه‌ای از آزادی فرهنگی و امنیت فرهنگی را شهید مطهری معرفی می‌کند که متعالی است؛ یعنی علاوه بر دنیا، به آخرت نیز توجه دارد و آن دو نه تنها نافی یکدیگر نیستند، بلکه نسبت تعاملی متعالی با یکدیگر نیز دارند: «آزادی انسان در شریعت اسلامی باید به گونه‌ای باشد که او را در راستای رسیدن به قرب الهی یاری کند. بر همین اساس، این آزادی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۲، ج ۲۰: ۵۵۷ و ج ۲۲: ۱۳۲-۱۳۰).

نسبت امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در اندیشه شهید مطهری

۱. نادرستی فرض تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی (وضعیت ظلم و استخدام یک‌طرفه)

در اندیشه شهید مطهری امنیت اقتصادی به معنای امنیت دولت یا جامعه به مفهوم کمونیستی آن و برقراری استبداد اقتصادی از طریق سلب حقوق و آزادی‌های اقتصادی قانونی مردم که از آن با عنوان امنیت اقتصادی متدانی حداقلی تعبیر می‌شود، به هیچ وجه مورد پذیرش نیست. به عبارت دیگر تقدم چنین امنیتی بر آزادی اقتصادی از دیدگاه ایشان، استخدام یک‌طرفه

ناعادلانه‌ای را در روابط اقتصادی دولت و مردم یا مردم با مردم در سطح جامعه رقم خواهد زد که در آن مردم تحت استثمار دولت یا یکدیگر واقع می‌شوند. لذا از دیدگاه شهید مطهری تقدم امنیت اقتصادی (متدانی حداقلی همچون نظام‌های استبدادی کمونیستی) بر آزادی اقتصادی پذیرفته نیست. این امر را نیز می‌توان از توجه ویژه ایشان به آزادی اقتصادی و مصادیق آن به خوبی برداشت کرد؛ زیرا آزادی اقتصادی نیز از دیدگاه شهید مطهری از جمله حقوق مسلم شهروندان شمرده می‌شود که دین اسلام برای انسان قرار داده است. به اعتقاد شهید مطهری اصل اولیه در اسلام، آزادی فعالیت‌های اقتصادی است (همان، ج ۲۰: ۳۱۷-۳۱۹). از این رو، هیچ‌کس حق سلب آزادی اقتصادی را از شهروندان ندارد: «اسلام در عین اینکه دینی اجتماعی است و به جامعه می‌اندیشد و فرد را مسئول جامعه می‌شمارد، حقوق و آزادی فرد را نادیده نمی‌گیرد و فرد را غیراصیل نمی‌شمارد. فرد از نظر اسلام، چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی و...، حقوقی دارد» (همان، ج ۲: ۲۴۲، ج ۲۰: ۵۵۷ و ج ۲۲: ۱۳۰-۱۳۲).

یکی از مصادیق آزادی اقتصادی، حق مالکیت فردی است. از دیدگاه شهید مطهری چنین آزادی‌ای برای انسان وجود دارد و مالکیت اختصاصی در اسلام محترم است و شهروندان بر محصول کار خود مالکیت دارند: «فرد از نظر اسلام... از نظر اقتصادی، حق مالکیت بر محصول کار خود، حق معاوضه، مبادله، صدقه، وقف، اجاره، مزارعه، مضاربه و غیره در مایملک شرعی خود را دارد» (همان)؛ «در نظام اقتصادی اسلام، اساس کار این است که... مالکیت اختصاصی محترم باشد» (همان).

شهید مطهری معتقد است مالکیت در اسلام، منحصر در مالکیت فردی نیست، بلکه قسمی دیگر از مالکیت وجود دارد که مالکیت عمومی نامیده می‌شود. کار و تلاش فردی، تملیک و بخشش، مهم‌ترین عوامل تمایز مالکیت فردی از مالکیت عمومی از دیدگاه مطهری است:

نظام اقتصادی اسلام، اصل و ریشه مالکیت را امری طبیعی و غریزی دانسته و بر همین اساس با اصیل شمردن اجتماع و امت، مالکیت خصوصی را در کنار مالکیت دولتی و عمومی امضا کرده است. اسلام، نه با قبول مالکیت عمومی، مثلاً در مورد انفال، مالکیت

فردی را به طور مطلق طرد کرده (تفکر سوسیالیستی) و نه با قبول مالکیت فردی، مالکیت عمومی را نفی کرده است (تفکر لیبرالیستی). در آنجا که پای کار افراد و اشخاص است، مالکیت فردی را معتبر می‌شمارد و در آنجا که پای کار افراد و اشخاص نیست، مالکیت را جمعی می‌داند (همان، ج ۲۰: ۴۳۵-۴۳۰، ۵۱۴-۵۱۰، ۵۵۷-۵۵۶ و ۵۶۷).

یکی دیگر از مصادیق آزادی اقتصادی، حق انتخاب شغل است. در اندیشه شهید مطهری نیز شهروندان در انتخاب شغل آزادند (همان، ج ۲: ۲۴۲، ج ۲۰: ۵۵۷ و ج ۲۲: ۱۳۰-۱۳۲) و داشتن آزادی در انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی و عدم اجبار شهروندان به انجام دادن کاری، اصل اولیه در اسلام است: «اصل اولیه در اسلام، آزادی فعالیت‌های اقتصادی است. ... آنچه مسلم است اسلام نمی‌خواهد مردم را از راه اجبار اقتصادی به کار وادار کند» (همان، ج ۲۰: ۳۱۷-۳۱۹).

در مجموع، بررسی احتمال تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی در اندیشه شهید مطهری نشان می‌دهد که این وضعیت در واقع به معنای سلب یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی شهروندان در عرصه اقتصادی جامعه به‌شمار می‌رود که نوعی ظلم و بی‌عدالتی در حق مردم است. به عبارت دیگر، استخدامی یک‌طرفه و وضعیتی شکل می‌گیرد که در آن شهروندان تحت سلطه و استثمار اقتصادی نظام حاکم یا یکدیگر قرار می‌گیرند و بدین ترتیب، مالکیتشان تهدید می‌شود یا مجبور به انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی تحمیلی می‌شوند. چنین وضعیتی امنیتی که امنیتی متدانی و حداقلی در عرصه اقتصادی است، از دیدگاه شهید مطهری نه تنها پذیرفته نیست، بلکه امنیت نیز شمرده نمی‌شود و به دلیل ظالمانه بودن، عین ناامنی و تهدید است.

۲. نادرستی فرض تقدم آزادی اقتصادی بر امنیت اقتصادی (وضعیت ظلم و استخدام یک‌طرفه)

از دیدگاه شهید مطهری آزادی اقتصادی به معنای آزادی خارج از چهارچوب و ارزش‌های اقتصادی دینی و برقراری وضعیت هرج‌ومرج اقتصادی یا وضعیت آزادی اقتصادی همچون نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری لیبرال به هیچ عنوان پذیرفته نیست. در واقع چنین آزادی‌ای،

امنیت اقتصادی متعالی را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر تقدم چنین آزادی‌ای بر امنیت اقتصادی که دایرمدار ارزش‌های مورد تأیید دین است، روابط اجتماعی اقتصادی را در نهایت به سوی به وجود آمدن استخدام یک طرفه ناعادلانه سوق خواهد داد که حتی نفس آزادی اقتصادی را نیز تهدید خواهد کرد. این امر را نیز می‌توان از جایگاه امنیت اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های اقتصادی دینی در اندیشه ایشان به خوبی فهمید؛ زیرا شهید مطهری با وجود تأکید بر لزوم برخورداری شهروندان از آزادی اقتصادی، آزادی اقتصادی متدانیه مطلق را که به هر چه و مرج ختم می‌شود و نیز آزادی اقتصادی متدانیه حداکثری را که در نظام‌های سکولار لیبرال وجود دارد تأیید نمی‌کند، بلکه معتقد است ارزش‌های حیاتی اقتصادی وجود دارد که محدودکننده آزادی اقتصادی مطلق و حداکثری شهروندان است، که در این مقاله از آنها با عنوان موضوعات و حوزه‌های امنیت اقتصادی نام برده می‌شود: «بنابراین، با توجه به پذیرش این امانت بزرگ الهی از سوی انسان و مسئولیت او در قبال خداوند، خودش، سایر انسان‌ها و نیز طبیعت که همه در عبارت "حفظ انسانیت او" خلاصه می‌شود، فعالیت‌های اقتصادی انسان نیز با قیدهایی محدود می‌شود» (همان، ج ۲: ۲۴۲، ج ۲۰: ۵۵۷ و ج ۲۲: ۱۳۲-۱۳۰).

قوانین اقتصادی اسلام از ارزش‌های اقتصادی حیاتی از دیدگاه شهید مطهری است که شهروندان باید در فعالیت‌های اقتصادی‌شان بدان توجه داشته باشند. از این رو، آزادی اقتصادی آنان در چهارچوب عدم تجاوز از محرمات و واجبات اسلامی تعریف می‌شود: مردم بر اموال خود تسلط دارند، ولی این تسلط به معنای این است که در چهارچوبی که اسلام اجازه داده آزادی تصرف دارند و نه بیشتر (همان، ج ۲: ۲۴۵ و ج ۲۲: ۲۶۲).

برخی از این قیود را به طور کلی و ثابت، شرع تعیین کرده است. به طور مثال، انسان نمی‌تواند به صرف دارا بودن عوامل تولید، هر کالا را اگرچه برای مصالح جامعه ضرر داشته باشد، تولید کند و به جامعه ارائه دهد یا هر چه می‌خواهد و هر مقداری از آن را مصرف کند. ممنوع ساختن فعالیت‌هایی چون ربا، احتکار، معاملات غری، اسراف، اتراف و... به همین منظور صورت گرفته است (همان، ج ۲: ۲۴۲، ج ۲۰: ۵۵۷ و ج ۲۲: ۱۳۰-۱۳۲).

اسلام وجود تقاضا را برای مشروعیت عرضه کافی نمی‌داند. از این رو، در اسلام پاره‌ای از کار و کسب‌ها مکاسب محرمه خوانده شده است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۴۶).

آزادی اقتصادی شهروندان یکی دیگر از ارزش‌های اقتصادی امنیتی حیاتی از دیدگاه شهید مطهری است که آزادی اقتصادی را محدود می‌کند: «اسلام استثمر یعنی بهره‌کشی بلاعوض از کار دیگران را به هر شکل و هر لباس، ناروا و مطرود می‌شمارد» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۵).

مصالح جامعه و منافع ملی یکی دیگر از موضوعات امنیت اقتصادی و ارزش‌های حیاتی در اندیشه شهید مطهری است که محدودکننده آزادی اقتصادی شهروندان است. از این رو، به اعتقاد وی هرگونه فعالیت اقتصادی که باعث تضعیف جامعه اسلامی و تقویت دشمن، از بین رفتن استقلال کشور و تضعیف فرهنگ اسلامی کشور شود، مجاز نیست. برخی از این محدودیت‌ها نیز در اختیار دولت قرار گرفته و به او اجازه داده شده است تا هنگام ضرورت، در راستای تأمین مصالح مسلمانان، برخی از آزادی‌های انسان را محدود کند (همان، ج ۲: ۲۴۲، ج ۲۰: ۵۵۷ و ج ۲۲: ۱۳۰-۱۳۲).

مکاسب محرمه چند نوع است: الف) مبادلات مؤثر در تثبیت نادانی‌ها و تشویق کارهای حرام...؛ ب) مبادلات مؤثر در گمراهی و اغفال مردم...؛ پ) فعالیت مؤثر در تقویت دشمن...؛ ت) تحصیل درآمد از طریق امور زیان‌بار به حال فرد یا جامعه (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۴۶).

هدف اسلام این است که امت اسلامی در همه ابعاد زندگی از بیگانگان مستقل باشد. در این میان، استقلال اقتصادی اهمیت خاصی دارد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۰: ۴۰۵ و ج ۲۲: ۳۹۹-۴۰۲).

عدالت اجتماعی در عرصه اقتصادی یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی و موضوعات امنیت اقتصادی در اندیشه شهید مطهری است. از این رو، به اعتقاد ایشان، آزادی اقتصادی نباید به گونه‌ای باشد که به عدالت اجتماعی آسیب بزند و منجر به تبعیض گردد: «یکی دیگر از هدف‌های مهم اقتصاد اسلامی که وجه تمایز هدف رشد اقتصادی نظام اسلامی از نظام سرمایه‌داری است، برقراری عدالت فراگیر در همه ابعاد آن و از جمله عدالت اقتصادی

است. ... مدینه فاضله اسلامی، مدینه ضد تبعیض است نه تفاوت» (همان، ج ۲: ۱۷۶ و ج ۱۸: ۱۴۳؛ مطهری، بی تا: ۳۲، ۱۵۱ و ۱۷۵-۱۷۶؛ مطهری، ۱۳۶۱: ۶۰).

بنابراین، بررسی فرض تقدم آزادی اقتصادی بر امنیت اقتصادی در اندیشه شهید مطهری نشان‌دهنده آن است که این وضعیت نیز زمینه‌ساز ظلم و استخدام یک‌طرفه و در نتیجه تولید ناامنی در حیات دنیوی و اخروی می‌شود. لذا این فرض نیز در اندیشه ایشان نادرست است؛ زیرا آزادی اقتصادی مطلق به هرج و مرج و تضییع حقوق و آزادی‌های دیگر شهروندان و پای مال شدن ارزش‌های دینی در حوزه اقتصاد می‌انجامد که هر دو از مصادیق بارز ظلم و بی‌عدالتی و سبب استخدام یک‌طرفه در روابط اجتماعی‌اند. در واقع، در این شرایط به دلیل عدم وجود قانون، برخی شهروندان بر دیگر افراد مسلط می‌شوند و حقوق اقتصادی آنها را تضییع می‌کنند و این همان استخدام یک‌طرفه است. اما آزادی‌های اقتصادی مبتنی بر مکتب لیبرالیسم (آزادی اقتصادی متدانی حداکثری) نیز به دلیل مقید نبودن به ارزش‌های دینی و فردگرایی، زمینه‌ساز ایجاد وضعیت ظلم در سطح جامعه و نیز سطح نظام بین‌الملل در قالب استثمار و استعمار، انحصار و تحریم مردم دیگر کشورها و در نتیجه به وجود آمدن وضعیت استخدام یک‌طرفه است.

۳. درستی فرض تعامل امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در بستر دین (وضعیت عدالت و استخدام دوطرفه)

با نادرستی احتمال تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی و نیز نادرستی احتمال تقدم آزادی اقتصادی بر امنیت اقتصادی در اندیشه شهید مطهری، و نیز با توجه به بداهت نادرستی احتمال عدم نسبت میان امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در اندیشه ایشان با استناد به عبارات ایشان که از نوعی ارتباط و نسبت حکایت دارد، بر اساس برهان سبر و تقسیم، احتمال تعامل امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در بستر دین از دیدگاه ایشان اثبات می‌شود، با این توضیح که در فرض تعامل امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در چهارچوب قوانین عادلانه اسلامی، وضعیت عدالت در جامعه و روابط اجتماعی به وجود می‌آید که نتیجه آن استخدامی دوطرفه در روابط اقتصادی است که این خود موجد امنیتی

متعالی می‌شود. به عبارت دیگر، شهید مطهری به گونه‌ای از آزادی اقتصادی و امنیت اقتصادی اشاره دارد که متعالی است؛ یعنی علاوه بر دنیا، به آخرت نیز توجه دارند و نه تنها نافی یکدیگر نیستند، بلکه نسبت تعاملی متعالی با یکدیگر نیز دارند: «در مجموع می‌توان گفت در نظام اقتصادی اسلام، اساس کار این است که منابع ثروت در جریان و مورد استفاده باشد و نیروی عمل، آزاد و فعال و مالکیت اختصاصی محترم باشد. اما باید نظارت کامل بر راه‌های کسب درآمد باشد که از راه مشروع به دست آید» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۲، ج ۲۰: ۵۵۷ و ج ۲۲: ۱۳۰-۱۳۲).

نتیجه‌گیری

در این مقاله در پاسخ به این سؤال که امنیت و آزادی در سه عرصه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در اندیشه شهید مطهری دارای چه رابطه و نسبتی‌اند، با کاربست روش سبر و تقسیم و چهارچوب نظری ملهم از نظریه استخدام علامه طباطبایی، فرضیه این مقاله که امنیت و آزادی در اندیشه شهید مطهری نسبت تعاملی متعالی دارند، به اثبات رسید، با این توضیح که از میان سه احتمال تقدم امنیت بر آزادی و تقدم آزادی بر امنیت و نیز تعامل امنیت و آزادی، نادرستی دو احتمال اول بر اساس چهارچوب نظری ملهم از نظریه استخدام به اثبات رسید؛ زیرا از دیدگاه شهید مطهری، تقدم هریک از امنیت و آزادی بر یکدیگر از آنجاکه سبب تضییع حقوق شهروندی و نیز تضییع منافع ارزش‌های دینی و ملی (حقوق و مصالح عمومی و الهی) می‌شود، نوعی از ظلم و بی‌عدالتی را در سطح روابط اجتماعی حاکم می‌کند که در چنین وضعیتی سودرسانی میان بازیگران اجتماعی، دیگر دوطرفه نیست، بلکه استخدام به صورت یک طرفه می‌شود؛ یعنی حقوق یک طرف پای مال می‌شود. براین اساس، تنها احتمال تعامل امنیت و آزادی در بستر قوانین دینی در اندیشه ایشان به اثبات می‌رسد، با این توضیح که در فرض تعامل امنیت و آزادی در بستر دین که قوانین آن ماهیتی بی طرفانه و عادلانه دارد، هیچ تضییع حقوق فردی، ملی، دینی و عمومی رخ نمی‌دهد؛ به این معنا که در عین برخورداری شهروندان از آزادی، حقوق و ارزش‌های دینی و ملی نیز حفظ می‌شود. لذا وضعیت عدالت و استخدام دوطرفه در روابط

اجتماعی حکم فرما می‌شود. در واقع نوعی تعادل مبتنی بر عدالت در سطح روابط اجتماعی به وجود می‌آید که امنیت دنیا و آخرت به صورت توأمان حفظ می‌شود، برخلاف وضعیت استخدام یک طرفه در فرض تقدم امنیت و آزادی بر یکدیگر و بالعکس که وضعیتی ظالمانه شکل می‌گیرد و در نهایت و در صورت استمرار آن وضعیت، علاوه بر به خطر افتادن امنیت اخروی، امنیت دنیوی شهروندان نیز دچار مخاطره خواهد شد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

اسلام کوئست نت (۱۳۹۸). «برهان سبر و تقسیم به چه نحو است و چگونه عمل می‌کند؟»، دسترسی در: <https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa/16524>

افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). امنیت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

_____ (پاییز و زمستان ۱۳۷۸). «ظرفیت طبیعی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره دوم، ش ۵ و ۶.

انوری، حسن و همکاران (۱۳۸۷). فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.

برلین، آیزایا (۱۳۶۸). چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.

حسین نژاد، سیدمجتبی (۱۳۹۷). «تفاوت تنقیح مناظ با برهان سبر و تقسیم و قیاس مستنبط العله»،

کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی -

اجتماعی، دوره اول، دسترسی در: <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=93726>

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). آموزش دین یا تعالیم اسلام، باتنظیم سیدمهدی آیت‌اللهی،

تهران، جهان‌آرا.

_____ (۱۳۸۶). رهیافت ۶: گزیده‌ای از دیدگاه‌های علامه طباطبایی، گردآوری حسن اردشیری

لاجیمی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

_____ (۱۳۹۱). روابط اجتماعی در اسلام به ضمیمه چند رساله دیگر، ترجمه محمدجواد حجتی

کرمانی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.

_____ (۱۹۹۱). المیزان، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.

کاظمی، محسن و ابوالقاسم نقیبی (تابستان ۱۳۹۵). «کاربرد برهان سبر و تقسیم در تعیین سبب مجمل خسارت (مطالعه موردی پرونده هموفیلی‌ها)»، فصلنامه حقوق پزشکی، س ۱۰، ش ۳۷، ص ۸۶-۱۰۱.

لک‌زایی، نجف (بهار ۱۳۹۰). «امنیت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، فصلنامه اسراء، دوره سوم، ش ۷، ص ۱۹-۵۲.

_____ (بهار ۱۳۹۴). «مکتب امنیتی متعالی با نگاهی به اندیشه امام خمینی (ع)»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره هشتم، ش ۲۶، ص ۵-۳۹.

_____ (تابستان ۱۳۹۳). «امنیت متعالی»، فصلنامه سیاست متعالیه، دوره دوم، ش ۵، ص ۷-۲۸.

_____ (زمستان ۱۳۸۹). «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره سیزدهم، ش ۵۰، ص ۶۳-۸۴.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم‌افزار جامع احادیث ۳/۱۵، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). قیام و انقلاب مهدی، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۶۵). حماسه حسینی، تهران، صدرا، ج ۳.

_____ (۱۳۶۷). گفتارهای معنوی، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۶۹). فلسفه اخلاق، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۷۸). یادداشت‌های استاد مطهری، تهران، صدرا، ج ۱ و ۷.

_____ (۱۳۸۸). مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج ۶.

_____ (۱۳۸۹ الف). سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۸۹ ب). سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۹۰). جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران، صدرا.

_____ (بی‌تا). پیرامون انقلاب اسلامی، بی‌جا، دفتر انتشارات اسلامی.

مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی متفکران اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱.

مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، زیر نظر محمد هاشمی شاهرودی (۱۳۸۹).

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، قم، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.
میراحمدی، منصور (۱۳۸۱). آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
ویلیامز، پل دی (۱۳۹۰). درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، امیرکبیر.
Wolfers, Arnold (Dec 1952). "National Security as an Ambiguous Symbol", Political Science Quarterly, v. 67, no. 4., p. 481-502.
Gray, Tim (1991). Freedom, Humanities Press International In C. Atlantic, Highlands N.J.

